

تاملی در قوت و ضعف آموزش عالی ایران

زمستان ۱۳۸۲

آموزش عالی ایران نزدیک به ۸۰ سال سابقه دارد. برنامه‌هایش جامع است و بخش اعظم دانش‌های متعارف روز را در برمی‌گیرد. فارغ‌التحصیلان‌اش استخوان‌بندی نظام مدیریتی، صنعتی، و خدماتی کشور را تشکیل می‌دهند. در سال‌های اخیر نیز آموزش و پژوهش رشد بسیار سریعی داشته است. با همه این احوال، آموزش عالی ایران به یک نکته توجه لازم را نه کرده است:

«برنامه مدون و منظم برای همکاری علمی و پژوهشی پایدار بین‌المللی ندارد»

دانشجو به خارج اعزام کرده و از خارج دانشجو پذیرفته، ولی برنامه‌ریزی‌ها کلاً در وزارت‌خانه علوم متمرکز بوده است. دانشگاه‌ها به کنار بوده‌اند، تبادل دانشجو را در سیاست‌های درازمدت خود نگنجانده‌اند، و بالطبع تجربه‌ای نیندوخته‌اند. استاد به خارج رفته، از استاد خارجی میزبانی شده است. ولی صرافت طبع افراد و انگیزه‌های شخصی مشوق این رفت‌وآمدها بوده است. در این مورد هم، دانشگاه‌ها برنامه فعال و پی‌گیر نداشته‌اند.

تفاهم‌نامه‌هایی که به فراوانی با کشورهای دیگر امضا شده و مبادلات علمی و پژوهشی در آن‌ها دیده شده، به ندرت از قوه به فعل آمده‌اند. همکاری‌های مداوم و درازمدت به وجود نیامده است. در حال حاضر قریب به سه و نیم میلیون دانشجو در دانشگاه‌های کوچک و بزرگ کشور آموزش می‌بینند. ولی تعداد دانشجویان خارجی‌اش به ۸۰۰۰ نفر نمی‌رسد و تنها نیمی از این تعداد هزینه تحصیل خود را می‌پردازند. چند ده هزار پژوهشگر در کشور است. ولی به ندرت تعداد پژوهشگران خارجی همکار در کل کشور از چند ده نفر تجاوز می‌کند.

سبب نارسائی‌های یاد شده متمرکزبودن سیاست‌گذاری‌ها در وزارت‌خانه و تقلیل دانشگاه‌ها به نهادهای فرمان‌بر است. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در تمام شئون خود، از پذیرش دانشجو، استخدام و ارتقاء هیئت علمی، برنامه‌های درسی و مقررات آموزشی گرفته تا جزئی‌ترین آئین‌نامه‌های اداری و مالی موظف‌اند از یک الگوی واحد که از وزارت علوم صادر می‌شود پیروی کنند. حتی برای دانشگاه مادر کشور، دانشگاه تهران، هیچ امتیاز و آزادی عملی پیش‌بینی نشده است. چنین سیاست متمرکزی که خود متأثر از سیاست مدیریت کلان کشور است، مجال برای ابتکار و ابداع برای هیچ‌کس و هیچ‌یک از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه باقی نمی‌گذارد.

با این حال می‌توان در جهت گسترش همکاری‌های آکادمیک با دانشگاه‌های دنیا، اعم از پیش‌رفته و نرفته گام برداشت. موارد زیر به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

- قرار همکاری برای تدریس مقاطع تحصیلی مشترک و اعطاء گواهی‌نامه مشترک یا دو گواهی‌نامه مستقل توسط دو دانشگاه طرف قرارداد. دو نمونه در کشور تجربه شده است:
الف) دانشگاه تهران، شریف، امیرکبیر و چند دانشگاه دیگر ترتیبی داده‌اند که بخشی از دروس کارشناسی‌ارشد در بعضی از رشته‌ها در ایران تدریس شود و بخشی دیگر (عمدتاً بخش رساله) در دانشگاهی در خارج از کشور.
ب) دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان با دانشگاه هریوت- وات اسکاتلند قرارداد دارد نیمه از دروس کارشناسی فناوری اطلاعات را برابر با برنامه وزارت علوم در ایران تدریس شود و نیم دیگر برابر با برنامه دانشگاه طرف قرارداد در ایران یا در اسکاتلند تدریس شود. در پایان برنامه طرفین قرارداد گواهی‌نامه خود را به دانشجو به‌دهند.
- در دنیای پویای امروز، دانش، فناوری، خدمات، و صنعت به سرعت در حال تغییراند. مباحث میان رشته‌ای نو ظهور می‌کنند، برنامه‌های دانشگاهی سالانه تغییر می‌کنند و احياناً رشته‌های تحصیلی نو به وجود می‌آیند. سیاست متمرکز حاکم بر آموزش عالی کشور تحرک و انعطاف لازم برای سازگاری سریع با این تغییرات را ندارد. می‌شود با دانشگاه‌های خارج قرار گذاشت، مباحث جدید خود را با همکاری یک دانشگاه در داخل کشور نیز ارائه دهند. مباحث متعددی که از قبل توسعه کامپیوتر و فناوری اطلاعات و ظهور اینترنت به وجود آمده‌اند در این مقوله قرار می‌گیرند.
- دانشگاه‌های کشور می‌توانند در خارج از مرزهای خود اقدام به تأسیس شعبه کنند. شعبات دانشگاه آزاد اسلامی در امارات و انگلستان و غیره از گونه‌اند. کشورهای همسایه هم‌فرهنگ و هم‌زبان با کشور ما، بازار مناسب برای این منظور هستند.

لازمه تحقق هر یک از راه‌کارهای یاد شده، داشتن اختیار برای پذیرش دانشجو، استخدام هیئت علمی، تعیین رشته تحصیلی، دخل و تصرف در محتوای دروس، تجدید نظر در مقررات آموزشی، و میزان شهریه دانشجو و حقوق اعضای هیئت علمی است. در هر حال استانداردهای آموزشی وزارت علوم باید حداقل تلقی شود.

یوسف ثبوتی

دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان